

درجه

پیش فروش آلبوم «هزارهیج» آغاز شد

همراهی موزیسین‌های آلترناتیو ایران با بازیگر محبوب



● پیش‌فروش اولین آلبوم شخصی حامد بهداد که «هزار هیج» نام دارد از اول بهمن ماه در سایت بیپ‌تونز و تی‌کوک آغاز شد و آلبوم از دهم بهمن ماه به شکل دیجیتالی و فیزیکی در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. حامد بهداد در تولید اولین آلبوم رسمی خود توانسته نوازنده‌ها و موزیسین‌های شاخص جریان موسیقی راک و آلترناتیو ایران را با خود همراه و مجموعه‌ای با هفت قطعه را آماده انتشار کند. بهداد در تولید تمام قطعات از اشعار حافظ استفاده کرده است. لازم به ذکر است این اولین تجربه حامد بهداد در زمینه موسیقی نیست و او پیش از این در آلبوم‌ها و کنسرت‌های گروه دارکوب به عنوان خواننده حضور داشته و همچنین قطعاتی در فضای راک و بلوز با همکاری مسعود فیاض‌زاده منتشر کرده که به نوعی هزار هیج ادامه همین فعالیت‌ها محسوب می‌شود.

حامد بهداد علاوه بر خوانندگی و آهنگ‌سازی، تهیه‌کنندگی این آلبوم را هم برعهده دارد. مسعود فیاض‌زاده آهنگ‌ساز، تنظیم‌کننده و نوازنده گیتار الکتریک آلبوم هزار هیج است. دیگر اعضای گروه ساخت و تولید این آلبوم عبارت‌اند از: دارا دارایی (گیتار باس)، درشن آند (تبل)، علی باغفر (درامز)، آرتین میلیچیان (کیبورد)، علی اظهاری (گیتار الکتریک و آکوستیک)، رضا خوشنویس (بیانو) و صنم پاشا (بک وکال). همچنین گروه کُر فیلامونیک ایران به رهبری علیرضا شفق‌نژاد در تولید یک قطعه با حامد بهداد همکاری داشتند. ضبط این آلبوم از سال ۱۳۹۶ در استودیو پاپ با صدابرداری امید اصغری آغاز شد و در نهایت میکس و مستتران اسمال توسط رامین مظاهری به پایان رسید. ضبط کرال در استودیو شهر صدای پارسیمان انجام شده و ناشر این آلبوم هم نشر کوک (رضا کریمی‌تبار) است. حنیف سروری مجری طرح و فرهاد فتوحی حامی مالی این پروژه هستند. گرافیک هزار هیج کار سوگال ضامنی و عکاسی عطا محمدی است و نسخه فیزیکی این آلبوم به همت یخش رها (رهگذر هفت اقلیم) در دسترس عموم قرار می‌گیرد. امیر بهاری و سیامک قلی‌زاده تیم رسانه‌ای آلبوم هستند و پخش بین‌المللی آن توسط زنگ‌رودرز انجام می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند تا روز دهم بهمن ماه جهت پیش خرید نسخه دیجیتالی آلبوم هزار هیج از طریق سایت بیپ‌تونز اقدام کنند و همچنین برای پیش‌خريد نسخه فیزیکی و نسخه امضاشده به سایت تی‌کوک (tikook.com) مراجعه کنند. از دهم بهمن ارسال نسخه‌های فیزیکی با پست پیشتاز آغاز می‌شود و نسخه دیجیتالی هم قابل دانلود خواهد بود.

معرفی داوران بخش پژوهش جشنواره موسیقی کلاسیک ایرانی

● اعضای هیئت داوران بخش پژوهش سومین جشنواره موسیقی کلاسیک ایرانی از سوی مریم قرسو دبیر این بخش، معرفی شدند. امیر مردانه دبیر سومین جشنواره موسیقی کلاسیک ایرانی مریم قرسو را به عنوان دبیر بخش پژوهش و محمدرضا عسگری، حسین میثمی و نرگس ذاکرجعفری را به‌عنوان اعضای هیئت داوران این بخش معرفی کرد. مریم قرسو دایر دکترای موسیقی‌شناسی (اتنوموزیکولوژی) از فرانسه و هیئت علمی گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او تاکنون چندین کتاب مرجع دانشگاهی در زمینه موسیقی‌شناسی ترجمه کرده و تالیفاتی نیز در همین زمینه دارد. وی دبیری بخش پژوهش دومین دور جشنواره موسیقی کلاسیک ایرانی و جشنواره موسیقی نواحی در سال گذشته را بر عهده داشته است. حمید عسگری دانش‌آموخته دکترای موسیقی‌شناسی انستیتوی هنرهای زیبای آکادمی ملی علوم ارمنستان است. وی موفق به کسب جایزه مقاله برتر در حوزه هنر از نخستین جشنواره چندین وکتب علوم انسانی (۱۳۹۶) و جایزه مقاله برگزیده حوزه هنر از پانزدهمین جشنواره «نقد کتاب» خانه کتاب جمهوری اسلامی ایران شده است (۱۳۸۷). حمید عسگری عضو هیئت علمی و مدیر گروه موسیقی‌شناسی دانشکده موسیقی دانشگاه هنر است. نرگس ذاکرجعفری، پژوهشگر موسیقی و عضو هیئت علمی گروه موسیقی دانشگاه گیلان است. وی دارای دکترای پژوهش هنر از دانشگاه تهران بوده و کارشناسی موسیقی و کارشناسی ارشد پژوهش هنر را نیز در دانشگاه تهران تحصیل کرده است. از او مقالات متعددی در موضوعات موسیقی کلاسیک ایران و تاریخ موسیقی ایران منتشر شده است. وی همچنین تالیف دو کتاب با عنوان‌های «حیات موسیقی کارشناسی در موسیقی ایران» و «موسیقی نظری ایران» را در کارنامه پژوهشی خود دارد. حسین میثمی نزد استادانی چون فرامرز پایور، پرویز منصوری و محمدرضا درویشی در زمینه‌های مختلف موسیقی آموزش دیده است. تحصیلات آکادمیک را در مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران در رشته موسیقی کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران در رشته پژوهش هنر و دکترای پژوهش هنر را در دانشگاه هنر سپری کرده است. از وی تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده است. کتاب‌های «موسیقی عصر صفوی» و «موسیقی در دوره قزویان» از تالیفات وی است.

گروه هنر: «دختر لر» از جمله فیلم‌های مانای تاریخ سینمای ایران است. مرور تاریخی چگونگی ساخت این فیلم و بعدتر، تأثیرش در سینمای ایران از جمله نکاتی است که تاکنون از وجوه مختلف به آن پرداخته شده است. در ادامه بررسی فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای ایران با یاشار نورایی منتقد نام‌آشنای سینمای ایران درباره «دختر لر» صحبت کردیم که در ادامه شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

کا وقتی از فیلم «دختر لر» صحبت می‌کنیم، در واقع به نخستین فیلم ناطق سینمای ایران اشاره می‌کنیم در زمانی که پدیده‌ای منحصر‌به‌فرد در مواجهه با مخاطب محسوب می‌شد. کمی درباره اثربخشی این فیلم در تاریخ سینمای ایران صحبت کنیم. تاریخ هر سرسرزمین، ویژگی‌هایی دارد که صحبت‌کردن درباره جوانان آن برای هر کسی که به گذشته نه فقط علاقه‌مند بلکه نیازمند است، می‌تواند لذت‌بخش باشد. برای خود من ریشه بسیاری از مشکلات و معضلات در گذشته است و آن را آینه‌ای جهت شناخت وضعیت اکنون می‌بینم. برخی از فیلم‌ها به دلایلی که مهم‌ترین‌شان نبودن نسخه باکیفیت یا ازبین‌رفتن تنها نسخه است، کم‌کم از حافظه تاریخی ما محو می‌شوند و تنها شبح یا نامی از آنها باقی می‌ماند که با تصور و خیال در هم می‌شود و از اصل وجودی خودش دور شده، به پدیده‌ای مبهم بدل می‌شوند. در سرعت زندگی روزمره که مدام فزونی می‌یابد و حجم انبوه اطلاعات، ما گاه ناخواسته به چیزهایی اشاره می‌کنیم که زمینه شکل‌گیری آن را نمی‌شناسیم و شناخت درستی از آن نداریم. چندی قبل اتفاقی افتاد که دوباره نام «دختر لر» را بر سر زبان‌ها انداخت. قضیه از این قرار بود که خانم بازیگری که اتفاقاً بسیار پر حضور در فضای مجازی بازمی‌هستد، در برنامه‌ای در توصیف شکل و شیوه سر و وضع دخترا، از اصطلاح دختر لر استفاده کرد که تعبیر به تحقیر قوم لر شد. واکنش‌ها که بالا گرفت، ایشان درصدد جویبه برآمدند که منظورشان فیلم «دختر لر» بوده و نه دختران قوم لر به طور عموم و چیزی‌ها کنجکاو شدند که اصلا این فیلم دختر لر چیست و چه جور دختری در آن است که به او به عنوان یک نشان عقب‌ماندگی ظاهری ارجاع داده شده است! اگر از درجه این واقعه به فیلم عبدالحسین سینتا بگیریم، دو نکته پراهمیت برایمان آشکار می‌شود: نخست، ناشناسی نسبی سینماگران و سینمادوستان با تاریخ سینمای ایران و در ثانی بی‌اهمیتی نسبت به تعلیم و تحلیل فیلم‌های مهم سینمای ایران به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی این سرزمین. من دانشی نسبت به محتوای کتب درسی ندارم ولی امیدوارم و آرزو دارم هر دانش‌آموزی که در این سرزمین تحصیل می‌کند، حتی به شکل مختصر منبغی در دست داشته باشد که به طور نسبی به او درباره سینمای ایران آموزش‌های ابتدایی بدهد و تصور نشود که سینما یعنی همین فیلم‌هایی که در سه، چهار دهه اخیر در ایران ساخته شده‌اند. اما از همه کسانی که کار سینمایی می‌کنند می‌توان توقع داشت که به شکل خردنیاکجخته، فهم و اطلاعات خویش را از سینمای سرزمین بالا ببرند و اجر و فربری برای کسانی قائل شوند که پیشگام پیدایش سینما در ایران بوده‌اند. خصوصاً درباره بانوان سینماگر، فیلم «دختر لر» به دلیل حضور اولین هنرنییشه زن ایرانی، زنده‌یاد روح‌انگیز سامی نژاد، اهمیت مضاعف می‌یابد که حضور او را در این فیلم باید متناوبه، یک حرکت مترقی جهت بازشدن پای بازیگران زن به فیلم‌های ایرانی دانست که در ادامه خواهم گفت که چگونه رنج این حضور را هم کشید. فیلم «دختر لر» خوشبختانه به دلیل موجودبودن نسخه‌های آن و زحمات فیلمخانه ملی ایران جهت نشر فیلم‌نامه‌اش، در دسترس است اما به گمانم نزدیک‌ترین خاطره آن از آن خود فیلم بلکه ارجاعاتی است که در فرهنگ بصری معاصر به آن شده است و سرآمد همه آنها استفاده از شخصیت کلنار در فیلم ناصرالدین شاه آکتور سینما» است.

در آن فیلم زمان و مکان در هم می‌آمیزد و با رسیدن سینماتوگراف به دربار ناصرالدین شاه، شخصیت دختر لر هم سرر از دربار ناصری درمی‌آورد و دل شاه نظرباز را می‌برد. از خاطر نباید برد که خلاقیت فیلم و هوشمندی کارگردان، جایگاهی درست در نظر تماشاگر امروز برای فیلمی قدیمی ساخت و آن تأکید روی سادگی مسحورکننده فیلم‌های قدیمی بود که حتی شاه را هم مبهوت خود می‌کرد. بازی خانم فاطمه معتمدآریا در نقش کلنار، علاوه بر شباهت ظاهری، نوعی بازتولید سادگی بود که در خوانش دقیق می‌توان بازچه‌شدن زن ایرانی را به دست مردان در دوره‌های مختلف از آن تعبیر کرد. سینتا به همراه اردشیر ایرانی فیلم دختر لر را در هند ساختند و از سر ناچاری برای ایفای نقش اصلی زن فیلم، همسر یکی از کارکنان استودیو فیلم‌سازی امپریال فیلم که اصالتاً کرمانی بود، انتخاب شد که به دلیل لهجه کرمانی خانم سامی‌نژاد در فیلم‌نامه نکته‌ای را گذاشته که کلنار در کودکی از خانواده‌ای کرمانی توسط راهزنان ربوده شده و در قهوه‌خانه و میان قوم لر به کار گماشته شده است. او برخلاف سینمای اروپایزاد که می‌توان آرزو را در آن متجلی کرد، واقعیت زندگی

هنر

گفت‌وگو با یاشار نورایی درباره فیلم «دختر لر»

دختری از شرق



خانم سامی نژاد تلخ بود و دست سرنوشت به غیر از حضور در این فیلم و یک فیلم دیگر سپنتا، مانع از ادامه کار او شد.

در دهه ۵۰ به مدد کوشش‌های آقای تهامی‌نژاد، مصاحبه‌ای تصویری با خانم سامی‌نژاد انجام شد که در آن با آندوه از مصائب پس از اکران فیلم «دختر لر» صحبت می‌کند؛ اینکه بسیاری از ایرانیان و کرمانیان مقیم هند و ایران، با او به‌عنوان جلوه‌ای از لاقیدی و سنت‌شکنی بدرفشاری کردند و حضور او را به‌عنوان بازیگر با بی‌نودباری یکی کردند و به هتاک‌ی و تحقیر کلامی او دست زدند. حتی به سمت او بطوری بی‌مدرت که همه این رفتارها و فاصله‌ای که در تولید فیلم سینمایی در ایران از اواخر دوران رضا شاه تا اواخر دهه اول حکومت پهلوی دوم افتاد، باعث انزوای اولین بانوی بازیگر ایرانی شد و سینمای ایران از حضور مستمر او بی‌بهره ماند. تمام زن‌هایی که بعد از فیلم «دختر لر» تا به امروز در سینمای ایران فعالیت می‌کنند، وامدار و مدیون فداکاری و رنج‌های خانم سامی‌نژاد هستند و اگر با عقلانیت و دانش به تاریخ سینمای ایران بنگریسم، آن وقت به‌راحتی عنوان فیلم و شخصیت او را مایه متک و شوخی نمی‌کنیم و یاد او را گرامی خواهیم داشت که به‌عنوان سدشکن، راه را برای حضور بازیگر زن در فیلم ایرانی باز کرد.

از طرفی دیگر «دختر لـر» را باید اولین الگو برای سینمای عامه‌پسند ایران نامید. اهمیت فیلم به لحاظ ناطق بودن آن دو زمینه مهم دارد که مقبولیت فیلم را هنگام نمایش نخست در تهران در سال ۱۳۱۲ مشخص می‌کند؛ یکی استفاده از عنصر موسیقی ایرانی برای جلب تماشاگر و دیگر کلام پارسی برای تشدید زمینه‌های ادبی فیلم. فیلم دو صحنه مهم دارد، یکی کلنار در قهوه‌خانه رضان که نگاه جعفر به او می‌افتد و دیگری حضور بازیگر عرب در غار قلی‌خان سردست راهزنان. شاید صحنه اول منطقی داشته باشد اما صحنه دوم کلاما نمایشی و به‌گونه‌ای است که برای سرگرم‌کردن میل مردانه در فیلم کنجانده شده است. البته با توجه به ساخته‌شدن فیلم در هند و تلفیق نشانه‌های فرهنگی مشرق‌زمینی، از هنری تا غربی در این نوعی رفتار پذیرفته‌شده در هند است که در فرهنگ شیعی ناپسند به حساب می‌آید. اما با هر منطقی، ساختار کلی فیلم که آمیزه‌ای از رقص، جدال و عشق‌ورزی است، سنگ بنای سینمای عامه‌پسند ایران شد که درنهایت با تشدید شوخی‌ها و صحنه‌های رقص و کافه به نمونه‌ای تلفیقی از سینما و کافه و کاباره برای سرگرم‌کردن تماشاچی بدل شد. البته استفاده خلاقانه از موسیقی هم در برخی صحنه‌ها مانند ساززدن عده‌ای از مردان، بستری است که تماشاچی ایرانی را به دریافت تصاویر و تشدید احساسات از طریق موسیقی عادت می‌داد. از سبویی دیگر، آوازهایی که در فیلم خوانده می‌شوند، مانند آواز جعفر درباره زندگی، اولین حضور شعر و کلام منظوم فارسی در فیلمی ایرانی‌زبان است که با توجه به سابقه ادبی خود سینتا و سنت شعر در فرهنگ ایرانی، آواز ایرانی و ارانه مفهوم از طریق شعر را در سینمای ایرانی نهادینه کرد که بعدها به عنصر ثابت بسیاری از فیلم‌های عامه‌پسند بدل شد که شخصیت‌ها حرف دلشان را از طریق آواز می‌گفتند. نوشته‌های تاریخی درباره فیلم حاکی از بر سر زبان‌ها افتادن برخی جمله‌ها و دیالوگ‌هایی است که نشان می‌دهد تماشاچی با توجه به تجربه نقلالی در هنرهای سرگرم‌کننده ایران آن دوران، چقدر به آنچه شفاهی نقل می‌شده اهمیت می‌داده و همین زبان‌بازی و

گفت‌وگونیویی مبتنی بر فرهنگ عامیانه است که یکی از ستون‌های فیلم‌های عامه‌پسند برای جلب مخاطب معمولی به سینما می‌شود.

از سبویی دیگر با اتکا به اساطیر و ارجاع به افسانه‌ها، برای مثال قصه بیژن و منیژه، بسیاری از صحنه‌های فیلم مانند به‌جاه‌انداختن جعفر، برای تماشاگر یادآور داستان‌هایی مانند داستان‌های شاهنامه است تا با دانش نسبی و عامیانه خودش بتواند قصه را درک کند و شاید رمز موفقیت فیلم نزد عموم را هنگام نمایش نخست، باید در تلفیق این شیوه از داستان‌گویی با موسیقی و جذابیت‌های سرگرم‌کننده مانند رقص دانست.

کا برخی معتقدند این فیلم فارغ از وجوه هنری، رویه‌ای سیاسی را در زمانه‌اش دنبال کرد و سهم بیشتر این محبوبیت حاصل این تفکر در فیلم است. درباره جنبه‌های سیاسی و اجتماعی فیلم پژوهشگرانی مانند آقایان جمال امید، عباس بهارلو و محمد تهامی‌نژاد و حمید نفیسی مطالبی خواندنی نوشته‌اند؛ اما به گمانم همان‌طور که عنوان فرعی فیلم «ایران دیروز و ایران امروز» است، از طریق داستانی ماجراجوی و عاشقانه که برآمده از قصه عامیانه و افسانه‌های مشرق‌زمینی است، فیلم به ستایش‌نامه‌ای تصویری درباره رهایی زن ایرانی از بند بدویت و نوسازی اجتماعی و فرهنگی ایران بدل می‌شود. فیلم به دو بخش بسیار مهم تقسیم می‌شود که به‌عنوان مقدمه و مؤخره‌ای بر اوضاع و احوال اجتماعی ایران قبل از ظهور پهلوی اول و پس از شروع نوسازی در دوران رضا شاه، ستایشی از تحولات آن دوران است. کلنار پس از مرارت‌های بسیار توسط جعفر از ایران خارج می‌شود و هر دو به سرزمینی دیگر (هند) می‌روند. تصویر دختری که میان مردان و دزدان را پویشش بدوی فقط در حال خدمت‌کردن است، در انتهای فیلم به شمایل زنی مدرن می‌رسد که در حال نواختن پیانو است و به نظر می‌آید استعداد او از محفل آرابی و ایزه جنسی بودن به استقلال فردی و فریدت مدرن دگرگون شده است.

در انتهای فیلم جعفر که در طول فیلم با ظاهر نظامی دیده می‌شده، در لباس مدرن برای تماشاگر ستایشی از ایران جدید را در قالب آواز می‌خواند تا تماشاگر متوجه تغییراتی شود که ایران از دوران قاجار به دوران پهلوی به خود دیده است. مهم‌ترین اتفاق، بنا بر رویه خود رضا شاه، مبارزه با اشرار و راهزنان بود که جامعه بحران‌زده دوران قاجار را تکه‌تکه کرده و هر قدری در گوشه‌های برای خود بساط حکومت به پا کرده بود، فراموش نکنیم که اولین نقش منفی سینمای ایران، قلی‌خان با اندام فربه و ظاهری

ترسناک، تجلی مرده‌های دوران قاجار بود که در غار خویش حکمرانی می‌کرد و با غارت و چپاول و به‌اسارت‌کشیدن آدم‌های بی‌نوا، به حیات خویش ادامه می‌داد و جعفر به‌عنوان نماینده نظم نوین، برابر او می‌ایستاد و با مرارت، کلنار را به‌عنوان دختر ایران از چنگ او درمی‌آورد.

واقعیت این است که اقبال اقدامات پهلوی اول، حداقل در ۱۰ سال نخست زمامداری رضا شاه، به نظمی برمی‌گشت که در جامعه حاکم شده بود و روحیه ملی‌گرایانه‌ای که جهت سربلندی ایران بر همه رفتارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم شد. باستان‌گرایی دوران پهلوی اول، رسیدن به گذشته‌ای بود که در آن ایران در قالب یک کشور قدرتمند و فرهنگی والا، باید در جهان جایگاه بیابد و طبعی است که بسیاری از اندیشمندان و آثبایی که در دوره پیشرفت داشتند، تجربه‌های خود و ستایش از پاس داشت.

زیر آسمان فیروزه‌ای

مهم‌ترین فیلم‌های هالیوود برای اکران ۲۰۲۱

● هنر آتلاین: پاندمی کووید۱۹ و آشفته‌گی‌های ناشی از آن دنیای سینما را در سراسر جهان به هم ریخت. هالیوود به‌عنوان مرکز فیلم‌سازی بزرگ دنیا نیز بسیار تحت تأثیر کرونا قرار گرفت. به‌طوری‌که تاریخ اکران بسیاری از فیلم‌هایی که تماشاگران انتظارشان را می‌کشیدند، به تعویق افتاد. فیلم‌هایی که حالا قرار است هم‌زمان با اکران در سالن‌های سینما از طریق سرویس‌های پخش آتلاین نیز در دسترس تماشاگران قرار بگیرند.

انیمیشن کامپیوتری «رایا و آخرین اژدها» به کارگردانی دان هال و کارلوس لویز استرادا، تازه‌ترین تولید والت‌دیزنی پیکچرز و والت‌دیزنی انیمیشن استودیوز است. فیلم ابتدا قرار بود از پنجم مارس تنها در سینماهای ایالات متحده آمریکا اکران شود، اما به خاطر پاندمی کووید۱۹، در دوم آوریل (۱۳ فروردین ۱۴۰۰) از طریق سرویس پخش آتلاین دیزنی پلاس نیز در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. دانیل کریگ در «برای مردن وقت نیست» «یک مکان آرام بیست‌وپنجمین فیلم مجموعه سینمایی جیمز باند، برای پنجمین و آخرین بار در نقش مامور ۰۰۷ ظاهر شده است.» «برای مردن وقت نیست» به کارگردانی کری جوجی ابتدا قرار بود نوامبر ۲۰۱۹ اکران شود، اما تاریخ نمایش آن بار به تعویق افتاد.

فیلم ترسناک «یک مکان آرام قسمت ۲» دنباله فیلم تحسین‌شده «یک مکان آرام» (۲۰۱۸) به کارگردانی جان کراسینسکی است. کراسینسکی بار دیگر روی صندلی کارگردانی نشست و مانند فیلم اول در آن بازی کرد. هرچند با توجه به مرگ شخصیت او در آن فیلم، از طریق سکانس‌های فلاش‌بک در فیلم جدید حضور دارد. «یک مکان آرام قسمت ۲» را پارامونت‌پیکچرز روانه سینماها می‌کند. این فیلم هم ابتدا برای اکران در مارس ۲۰۲۰ در نظر گرفته شده بود.

«سریع و خشمگین ۹» به کارگردانی جاستین لین نهمین فیلم مجموعه سینمایی اکشن «سریع و خشمگین» است. این فیلم دنباله «سرنوشت خشمگین» (۲۰۱۷) و اولین فیلم از زمان «سریع و خشمگین ۶» (۲۰۱۳) است که لین کارگردانی کرده. درام موزیکال «در هایتس» را جان ام. چو از روی نمایشی موزیکال به همین نام که در ۲۰۰۷ در برادوی روی صحنه رفت، کارگردانی کرده است. جان ام. چو کارگردان این فیلم بیش از همه برای کارگردانی کمدی-رامتیک تحسین‌شده «آسیبایی‌های پولدار دیوانه» شهرت دارد.

فیلم ابرقهرمانی «نوم: بگذازنارنج باشد» با بازی تام هاردی در نقش ضدقهرمان قصه‌های مصور مارول، دنباله «نوم» (۲۰۱۸) است. فیلم جدید را دنی کراسیک کارگردانی کرده است. «نوم: بگذازنارنج باشد» تولید شرکت‌های کلمبیاپیکچرز، مارول اینترتینمنت و تسننت‌پیکچرز است و سونی‌پیکچرز ریلیزینگ آن را روانه سینماها می‌کند. میشل ویلیامز، رید اسکات و نانومی هریس از دیگر بازیگران این فیلم هستند.

«تانگ-جی و افسانه سه حلقه» به کارگردانی دستین دانیل کرتی («سازنده فیلم «عفو عادلانه») یکی دیگر از فیلم‌های «جهان سینمایی مارول» است. اکیوافینا، میشل یو، تونی لیونگ و فلوریان مونتانو از دیگر بازیگران «شانگ-جی و افسانه ده حلقه» هستند. این اولین فیلم «جهان سینمایی مارول» است که بیشتر بازیگران آن را آسیبایی‌ها و آمریکایی‌های آسیایی تشکیل می‌دهند.

امیلی بلانت و دواین جانسن در فیلم فانتزی--ماجراجویی «گشت‌وگذار در جنگل» بازی می‌کنند که با اقتباس از پارک موضوعی دیزنی لند ساخته شده است؛ جایی که یک کشتی کوچک، گروهی مسافر را در آمازون از بین یک جنگل پر از حیوانات خطرناک و عناصر فراطبیعی می‌گذراند. ادکار رامبیز، جک وایتبال، جسی پلمونز و پل جیاماتی از دیگر بازیگران فیلم هستند.

«جوخه انتحاری» به کارگردانی جیمز گان نیز توسط شرکت برادران وارنر هم‌زمان با اکران در سالن‌های سینما از اچ‌بی‌وی مکس نیز پخش خواهد شد.

درام جنایی «قدیسان فراوان نیوارک» به کارگردانی آلن تیلور پیش‌درآمدی بر سریال جنایی «خانواده سپیروانو» تولید شبکه اچ‌بی‌اوست. «قدیسان فراوان نیوارک» تولید مشترک نیولاین سینما و اچ‌بی‌وی فیلمز است و شرکت برادران وارنر آن را توزیع می‌کند. این فیلم نیز هم‌زمان با اکران در سینماها از طریق سرویس پخش آتلاین اچ‌بی‌او مکس نمایش داده می‌شود.

فیلم علمی تخیلی «تل‌ماسه» به کارگردانی دنی ویلیو تولید مشترک آمریکا، کانادا، مجارستان و بریتانیاست و از روی رمان معروف فرانک هربرت که در ۱۹۶۵ منتشر شد، ساخته شده است.

تریلر تاریخی «آخرین دوتل» را ریدلی اسکات بر مبنای کتاب «آخرین دوتل: یک داستان واقعی محاکمه از طریق مبارزه در فرانسه قرون‌وسطایی» نوشته اریک یاکر کارگردانی کرده است. فیلم‌نامه را بن افلک، مت دیمن و نیکول ویولوفشتر نوشته‌اند. دیمن نقش اصلی را مقابل آدم نایز هم‌زمان با اکران بازی می‌کند و افلک در یک نقش مکمل ظاهر شده است.

فیلم جاسوسی-اکشن «ماموریت: غیرممکن ۷» به نویسندگی و کارگردانی کریستوفر مکوری را شرکت پارامونت‌تی‌وی کچرز روانه سینماها می‌کند.